

^۱ (۱)[بلد]ه محفوظه سمرقند است لا زالت محفوظه و سه طسو مشاع از مجموع
زمینها این مملکه است و مستشنا است...^۲ (۲) و این قریه مشتمل است بر یک سنگ
طاحونه گردان و بزمینهای آبخور و قابل ذراعت و سکنیات معموره و محدودست بر یعن
وجهه که (۳) حد شرقی این قریه پیوسته است بعضی بموقع هندوان و بعضی به ینگی
کت و بعضی بقلاق تغلق خواجه و حد غربی آن می پیوندد (۴) بجواری تورام و ذیز می
پیوندد بزمینهای قریه موزان که وقف است بر مدرسه امیر محمد سلطان و جنوبی بعضی
بجواری دیوانه و بعضی (۵) بقریه امیران و شمالی بعضی بقریه وذگ و بعضی به قل جبار
فواصل در مجموع علامات معینه

^۱ Начало утрачено; первые 18 строк написаны со всеми огласовками.

^۲ Конец строки утрачен.

^۱ مستثنی است ازین قریه وقف سکنیات (۶) دیه باشان که محدودست^۲ برین وجهه که شرقی این پیوسته است براه عامه و غربی و جنوبی بزمینهای سلیمانشاهی که مملکه است و شمالی بعضی به پشتة (۷) گورستان این قریه و بعضی بزمین آبخور و قابل زراعت که مملوک حضرت با رفعت واقف است

و ذیز مستثنی است ازین قریه وقف یک قطعه زمین آبخور و قابل زراعت (۸) و یک باغ معمور و زمینهای دیگر قابل زراعت و این همه پیوسته است بهمیگر و در مملک حضرت واقف مذکور است و محدود است برین وجهه که (۹) حد شرقی این مجموع بعضی می پیوندد^۲ به سکنیات دیه باشان و بعضی^۳ بکول قلعه و حد غربی و شمالی آن می پیوندد بزمینهای آبخور و قابل زراعت (۱۰) و داخل است^۴ در وقف و جنوبی بزمینهای سلیمانشاهی که مملکه است فوacial در کل حدود علامات ظاهره و ذیز مستثنی است ازین قریه دایع وقف (۱۱) زمینهای سلیمانشاهی که مملکه است و مشهور است بحدود معینه

و ذیز مستثنی است از وی یک قطعه زمین محوطه مشتمله بر سکنیات و آن محدود است برین وجهه که (۱۲) شرقی آن و شمالی آن می پیوندد بزمینهای آبخور و قابل زراعت که از جمله وقف است و حد غربی بزمینهای سلیمانشاهی و جنوبی بدو قطعه زمین قابل زراعت (۱۳) که وقف است بر مسجد ساکنان قریه دایع بوقف کردن حضرت واقف مذکور

و ذیز^۱ مستثنی است ازین قریه دو قطعه زمین و محدود است برین وجهه که شرقی آن می پیوندد بزمین (۱۴) دایع که از جمله وقف است و غربی آن بعضی بزمینهای سلیمانشاهی و بعضی بزمین همین وقف فاصل جوی دایع است و شمالی می پیوندد بقطعة زمین محوطه مذکوره که (۱۵) مملک واقف است و جنوبی بقشلاق تغلق خواجه فوacial علامات معینه

و ذیز^۱ مستثنی است ازین وقف یک قطعه زمین که از امیر جنید ولد امیر زین العابدین خریده است (۱۶) حضرت واقف و در جوار گنبد امیر زین العابدین است حد

¹ Здесь и ниже в начале абзацев поставлены знаки и следующее слово надчеркнуто красными чернилами (выделено начало описания недвижимостей, исключаемых из вакфа). ² Над строкой другим почерком написано: **بزمینی که** ³ Над строкой другим почерком написано: ⁴ Написано над строкой.

شرقی آن قطعه زمین متعلق میشود بزمینهای همین وقف و غربی می پیوندد به سکنیات دیه باشان (17) که دیه امیران میگویند^۱ و شمالی بزمینهای امیر جنید ولد امیر مذکور و جنوبی براه عامه فوacial علامات معلومه

و^۲ ذیز مستثناست زمینهای آبخور و قابل زراعت (18) که از سلطان چايزید خریده شده است و مملوک حضرت واقف مذکور است و محدود است بربین وجهه که شرقی آن می پیوندد بقشلاق تغلق خواجه و غربی براه عامه (19) و شمالی و جنوبی بزمینهای همین وقف فوacial علامات ظاهره

و^۳ ذیز مستثناست ازین قریه دایع دو ذیستان که یکی مملوک جناب حضرت واقف است و یکی دیگر وقفست بر مسجد قریه (20) دایع که آن در گردآگرد قلی است که قلعه بروی واقع است

و منها^۴ قریه ونگ که آن ذیز از ذیم سخده است در جوار همین قریه مذکوره و محدوده و این قریه (21) ذیز مشتمل است بر یک سنگ طاحونة گردان و بر زمینهای آبخور و قابل زراعت و بر سکنیات معموره و حدود این قریه بربین وجهست که شرقی آن می پیوندد بعضی به قلی (22) چپار مشهور و بعضی بزمینهای قریه دایع مذکور و حد غربی و شمالی آن متعلق است بزمینهای خشید روان^{*} که مملکه است^۵ و جنوبی بعضی بزمینهای دایع و بعضی بزمینهای تورام^{*} که مملکه است^۶ فوacial علامات (23) مشهوره

و مستثناست ازین قریه ذیز سکنیات دیه باشان و راه عامه و گورستان شمالی اینها پیوسته است بعضی بزمینهای وقف ونگ و بعضی بمیدان خواجه ذیکو که این زمان در تصرف (24) ورثه اوست و باقی حدود آن پیوسته است بزمینهای وقف ونگ و این^۷ میدان خواجه ذیکو ذیز مستثناست^۸ است ازین وقف و محدود است بربین وجهه که شرقی می پیوندد براه عامه و باقی حدود (25) بزمینهای همین وقف مذکور فوacial علامات معلومه

¹ Над строкой другим почерком написано: ² Над строкой قریه ونگ ³ На правом поле помета ⁴ На правом поле помета сделанная тем же почерком, каким написан весь документ, красными чернилами; возле нее оттиск печати (см. легенду). ⁵ Надчеркнуто начало описания второй деревни вакфа. ⁶ Написано над строкой. ⁷ Надчеркнуто.

و ذیز^۱ مستثنیاست ازین قریه دو نیستان که یکی مملوک حضرت واقف است و دیگر وقفست بر مقبره این موضع در جوار همین مقبره^۲ و منها سکنیات (۲۶)^۳ دو در دکان با ایوان که در بلده محفوظه سمرقند سرت حمیت عن الافات در سر^۴ بازاری که در میان مدرسه و خانقه سلطان الشهید واقع شده است و بناء این سکنیات بر عرصه است (۲۷) که بعضی این عرصه وقف است بر مدرسه مذکوره و بعضی وقف است بر خانقه مذکور و حدود آن برین وجهه است که شرقی آن پیوسته بدکاری که وقف است بر خانقه مذکور و شمالی بعضی بعرصه که وقف است (۲۸) بر مدرسه و بعضی بعرصه خانقه و حد غربی بکوچه عامه بازار مسقف و جنوبی بدکاریان که وقف است بر مصرف معین فوائل علامات ظاهره

و همچنین وقف گردانید حضرت بارفتحت واقف مرین موقوفات (۲۹) مفصله را با جمیع حقوق و مرافق و توابع آن وقفًا صحیحًا لازمًا حل الحبیة و بعد الممات موبداً مخلداً لا يماع اصله و لا يوهب و لا يورث و لا يملك بوجه من الوجه برا امام (۳۰)^۵ و مدرس و مؤذن مسجد معین که بناء آن در برج شرقی و جنوبی مدرسه واقع شده است^۶ و این مسجد و مدرسه بعمارت حضرت با رفتحت واقف است در بلده محفوظه سمرقند است حمامها الله تعالی (۳۱) عن البليات در کوی و محله درب سوزنگران محدود است آن بروین وجه که شرقی وی می پیوندد بکوچه عامه که در وی جوی آب روایت و منه المدخل و حد شمالی آن می پیوندد (۳۲) بحوالی امیر یحیی بن...^۷ و این زمان در تصریف ورته اوست و حد قبلی و جنوبی پیوسته است بعرصه که مملوک حضرت واقف است^۸ و ذیز می پیوندد^۹ (۳۳) بکوچه عامه و باز منكسر میشود و شمالی میشود و می پیوندد بکوچه غیر ذاته و باز مُواَب^(؟) میشود و غربی میشود و می پیوندد بیماچه و خانهها

^۱ Надчеркнуто. ^۲ На левом поле другой рукой доб.:

^۳ На правом поле помета, сделанная тем же почерком, каким написан весь документ, красными чернилами: دو در دکان در سمرقند. Возле нее оттиск печати. ^۴ Помарка, чернила расплылись, буквы неумело поправлены. Перед словом در имеется лишняя буква د. ^۵ На правом поле поздней помета острым (стальным?) пером: حد حدود مدرسة سفید و مسجد

^۶ Написано под строкой.

^۷ Написано над строкой. ^۸ Пробел в ориг. ^۹ Написано под строкой. Далее над строкой написано красными чернилами امیر یحیی مذکور، زاپد، بهمین حویلی

^{۱۰} Зачеркнуто по ошибке.

خواجه حمید بن (34) امیرک قاضی و نیز می پیوندد بحوالی امیر شاه ولی بن سلطان ویس برلامن و حد جنوبی بعضی بخانهای مولانا علی قوشچی و بعضی بخانهای استاد اروس جهادور بن...² (35) و بعضی بخانهای مولانا احمد علی خوارزمی و این زمان در دست ورثه اوست و بعضی دیگر همین حد می پیوندد بخانهای استاد بهالدین بن...² و بعضی بدکانی که (36) وقف است بر مسجد همین محله که مسجد *سید زاده میگویند

مقرر⁴ آنکه متواتی و متصرف این موقوفات حضرت واقف مدام حبوقه بنفس شریف خود باشند و مصروف گردانند (37) ما رزقہ اللہ تعالیٰ من المذاق و المحسولات بعد از اخراجات سلطانی و مؤذات دیوانی اولاً بعمارت^{*} و مرمت⁵ ضروری موقوفات و ثاذیاً بعمارات و مرمت لابدی این مسجد و آنچه فاضل آید در مصالح (38) امام و مدرس و موذن بعد الملازمه و ظهور الاستحقاق و در مصالح هر که خواهند و هر چه خواهند از جمله خیرات و مبرات و هر وجہه که خواهند و چه (39) مقدار که خواهند مصروف گردانند و لهذا للحضرۃ الواقف این تفوض امر التولیه الى من شاء و ان یستبدل بعضًا منها و یجعل بدلہ وقفًا مکانه اذا رای مصلحة (40) فی ذلک ثم بعد ان یستمع نفسه الشریف ذداء یا ایها النفس المطمئنة ان ارجعی الى ربک راضیةً مرضیةً فالمتولی لها و المتصرف غیبها الارشد من اولاده الذکور الذين انتسابهم الى تلك الحضرة (41)⁶ بتوسط الذکور بطیناً بعد بطین ما توالدوا و تناسلوا الى قیام القيمة

مقرر بر آنکه محصولات این موقوفات را بعد الاخراجات الديوانية و المؤذات السلطانية (42) نسبت سهم سازد دوازده سهم را بمدرس رساند بعد الملازمة و ظهور الاستحقاق بشرط آنکه این مدرس عالم بعلم قرات (43) نیز باشد و شش تیر در مصالح امام صرف نماید⁷ بعد تحقیق الملازمة و ظهور الاستحقاق و سه تیر بهمذن رساند بشرط آنکه ملازمت کند (44) و برف روشن از بام مسجد و شمع روشن ساختن در مسجد و روشن مسجد بروی باشد و دو سهم برای بوریا و خس و شمع مسجد صرف کند (45) و

¹ Было написано: سله, потом исправлено.

² Пробел в orig.

³ Зачеркнуто; далее над:

строкой красными чернилами проставлен знак **Q** и ⁴ Зачеркнуто: ⁵ Написано: ⁶ На правом поле помета другой рукой: ⁷ Написано над строкой, другим почерком.

د) سهم حق این فرزند متصرف باشد که در مصالح خود صرف کند و نه سهم برای سه حافظ که مشغول باشند پیش این مدرمس بعلم قرات⁽⁴⁶⁾ بشرط آنکه ساکن باشند درین مدرسه و بهر یکی ازین سه ذفر حافظ سه سهم رساند تا سه سال و بعد از گذشتین سه سال معزول باشند و در فرجه ایشان سه حافظ⁽⁴⁷⁾ دیگر ثبت کند بر وجه مذکور تا مadam که مسجد و موقوفات معمور باشد و هر چه سهم باقی را نگاه دارد اگر مسجد و موقوفات او محتاج باشند⁽⁴⁸⁾ بعمارت و مرمت مصروف دارد در وی و اگر احتیاج بعمارت و مرمت ذمباشند بآن وجه اسبابی بخرد که ملحق باشد بآن وقف بشرائط مذکوره⁽⁴⁹⁾ و هذا الولد ایضاً^{*} إن شاء باشر في امور التولية و عمل بنفسه وإن شاء فوضها إلى من صلح لها و عین حق العمل لاجله من هذه السهام العشرة التي في حصته⁽⁵⁰⁾ إلى ما رأى مصلحة في ذلك و امر بصرف المخصصات في مصالح الإمام و المدرمس و المؤذن على وجه المذكور فان انهدم هذا المسجد او خلا⁽⁵¹⁾ عن ارباب الوظائف بعيث لا يرجى العود والعياذ بالله من ذلك فمصارف المخصصات اولاد الواقف و اولاد اولاده و ان سفلوا و ان انفترض⁽⁵²⁾ النسل و لم يوجد من الاولاد والعياذ بالله و الفقرا الصالحون مدامتم السهوات و الزرون و من الشرايط ان يستغل هذه الموقفات⁽⁵³⁾ في كل حين و اوان و عصر و زمان بما يناسب هذا العصر من اعلى وجوه الاستغلال و ان لا يواجز شي منها من² متغلب تجاه عليه من جهته ابطاله⁽⁵⁴⁾ و يغيره و ان تكون مصنونه من حاكم متغلب متصرف عن خلاف الشرط من الصدور و غيرهم فان تصرف فهو غاصب و قصره باطل و ان خلت هذه⁽⁵⁵⁾ الموقفات يوماً من الايام من قيم و متول من الاولاد المذكورين و العياذ بالله من ذلك فلنقاuchi المسلمين في ذلك الزمان ان يختار البر العفيف المتدين الصالح⁽⁵⁶⁾ لهذه الامانة و يفوض امور التولية اليه و يغير اجرة عمله عن ما ايستقرا راية و روا و حلل ذیست کسی را که ایمان آورده باشد بافریده گار عز و جل⁽⁵⁷⁾ و روز نشور و بعثت من في القبور که این وقف را با شرطی از شرایط این را تغییر کند و هر که برین منکر تجاویز نماید بسطخ آفریده گار گرفتار شود و بعذاب الهم در ماذد⁽⁵⁸⁾ و با فرعون و هامان در دوزخ قریبر باشد و مستحق لعنت و ذفرین گردد و در عرصه عرصات خوار و زار و عند الله و الناس پشیمان و شرمیسار ماذد فمن بدله⁽⁵⁹⁾ بعد ما سمعه فاذما ائمه على الذين يبدلونه ان الله سمیع عليهم

*¹ Написано с огласовками.

² Зачеркнуто: ذی.

(60) و بذلك وقع الاشهاد في يوم الجمعة الثانية والعشرين من شهر الله الاعظم رجب
المرجب (61) عظيم الله حرمته من شهر سنته اربعين و سبعين و ثمانينية من الهجرة
النبوية المصطفوية

(62) حكمت بصحة الوقف المذكور و لزومه على الكافه على قول من يرى لزومه
بالشروط المزبورة على النهج المنسوب (63) بعد المخاصمة الشرعية المرعية شرایط التي
جرت عندي على الخصم العاضر الذي ساغ في الشرع القضا عليه في جميع العمور (64) و
اذا الراجى عفو العياد الاحد الصمد الفقير الداعى ابو منصور محمد بن محمد حامداً و
مصلياً

(65) من الحاضرين مجلس الحكم المذكور سيف الدين الاسپيجابى

(66) من الشاهدين سلطان احمد... عثمان بهادى (?)

(67) من الحاضرين مولانا فضل الله الكدووى

(68) بشهادة شيخ محمد الشريفى

(69) ممن وقف على مضمون المذكور الفقير فخر بن ابي منصور

(70) بشهادة خواجه محى الدين بن خواجه علام الدين

(71) بشهادة مولانا نجم الدين بن مولانا حسام الدين زادم

(72) بشهادة مولانا امير سعيد بن سعيد امير حاجى

(73) بشهادة مولانا نجم الدين بن خواجة حسام الدين

(74) بشهادة خواجه عبد الحليل بن خواجة فخر الدين

(75) بشهادة خواجه محمد ذور الدين بن خواجه كلان ماقريدى

(76) بشهادة حاجى شيخ محمد بن خواجة علام الدين

(77) بشهادة مولانا محمد كلابادى محتسب بن مولانا سيف الدين

(78) بشهادة مولانا محمد بن مولانا شهاب الدين

(79) بشهادة مولانا شكر الله بن مولانا محمد داد ٢ (?)

(80) ممن وقف على مضمون الفقير العبد يوسف بن بايزيد

(81) بشهادة...

...¹ (1)...^[34] [в] богохранимом Самарканде — да не прекратится покровительство [божие над ним]! А три тасу, не выделенные из всех земель этого [селения] Даидж]^[35], являются [землями] мамлака и исключаются [из вакфа]...²(2). Это селе-

¹ Начало утрачено. ² Часть строки утрачена.